

تعیین حداقل دستمزد زیر خط فقر برای کارگران و مزدبگیران

زینت میرهاشمی

پنجم فروردین ماه هشتاد و هفت

رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند

چنان نماند و چنین نیز نخواهد ماند

بهار زیبا و شروع سال ۱۳۸۷ را به کارگران، مزدبگیران و کوشندگان جنبش کارگری تبریک می گویم. گر چه این بهار که طبیعت نو را به ارمغان می آورد در برابر جیبهای خالی کارگران و گونه های بی رنگ پدران و مادران و چشمهای پر تمنای کودکان خجل می شود اما باز هم مقدم آن را که امیدها را یادآوری می کند گرامی می داریم.

اگر چه سال گذشته، سالی پر از درد و رنج و شکنجه و کشتار از طرف دیکتاتوری نکبت بار برای مردم بود اما سالی بود که کارگران، مزدبگیران، فرهنگیان، دانشجویان و زنان با تداوم مبارزه و مقاومت در برابر سرکوب، قایق ز هوار در رفته حکومت را با طوفان مبارزه خود به چالش کشیدند.

در سالی که گذشت، فعالان جنبش سندیکایی، فعالان اتحادیه کارگران بیکار متحمل هزینه های زیادی شدند. آنها حبس، فشار و شلاق را در دفاع از حقوق خود به جان خریدند. فعالان جنبش سندیکایی شرکت واحد در سال گذشته دچار بیکاری، ضرب شتم و زندان شدند. منصور اسانلو همچنان در زندان به سر می برد. کارگران سنندجی تنها به جرم بیان خواسته هایشان و برگزاری جشن کارگری به زندان، شلاق محکوم شدند. محمود صالحی همچنان در زندان به سر می برد. بدون شک همه ایرانیان آزاده بر سر سفره هفت سین به یاد آنان بودند.

وزارت کار و امور اجتماعی روز شنبه ۲۷ اسفند، حداقل حقوق کارگران و مزدبگیران برای سال ۱۳۸۷ را اعلام کرد. این نهاد دولتی حداقل دستمزد را ۲۱۹ هزار و ۶۰۰ تومان اعلام کرد. همه ساله شورای عالی کار که ترکیبی از نمایندگان کارفرما، دولت و نماینده غیر انتخابی کارگران است، حداقل دستمزد را تعیین می کنند. برآیند تصمیم گیری این شورا و ترکیب آن، بیان کننده منافع سرمایه داران و نظام است. از آن جایی که نماینده ی واقعی کارگران که بر آمده از دل تشکلهای مستقل کارگری باشد در این ترکیب وجود ندارد، لذا این تعیین مزد جیبهای سرمایه داران و حافظان آن را مد نظر قرار می دهد. دستیافت بحثهای پی آمده در این شورا پیرامون تعیین حداقل دستمزد بیانگر آن است که حتی کسانی که به عنوان نماینده کارگر در این شورا شرکت داشته اند، ذره ای از کشاکشی که بین طبقه کارگر و صاحبان سرمایه به طور عینی وجود دارد را نمایندگی نمی کنند.

شورای عالی کار حداقل دستمزد سال گذشته را ۱۸۳ هزار تومان تعیین کرده بود. امسال مدعی شد که به میزان ۲۰ درصد این مزد را بالا برده اند.

قبل از این وزارت کار، کمیته ای به عنوان «کمیته مزد» تعیین کرده بود که به اصطلاح تحقیق این کمیته پیش زمینه ای باشد برای واقعی تر کردن دستمزد. اما این کمیته که ناف گردانندگان آن به حکومت گره خورده، منافع کارگران

را در نظر نگرفت.

وزارت کار اعلام کرد که تعیین دستمزد بر اساس تعیین نرخ تورم که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی تعیین شده، در نظر گرفته شده است. بانک مرکزی نرخ تورم را در بهمن سال ۸۶ بر اساس گفته وزارت کار، ۱۷/۸ در صد اعلام کرده است.

اگر به آمارهای محافظه کارانه رسانه های حکومتی هم بنگریم، کارگرانی که زیر این حقوق تعیین شده کار می کنند و شامل قانون کار نمی شوند مثل کارگران قراردادی که ۷۵ تا ۸۰ درصد کارگران را شامل می شوند و کارگران واحدهایی که ۱۰ نفر و کمتر کارکن دارند اکثریت قاطع کارگران و مزدبگیران را تشکیل می دهند.

بر اساس داده های آماری، به برکت دولت پاسداران، و نیز افزایش درآمد نفت، نقدینگی بیشتر شده است. بر خلاف ادعای پایوران رژیم که می گویند نرخ تورم را به یک رقمی کاهش خواهند داد، نرخ تورم از این مقداری که بانک مرکزی اعلام کرده است بیشتر است و بنا به نظر کارشناسان اقتصادی این رقم در سال ۸۷ بسیار بیشتر هم خواهد شد. مرکز پژوهشهای مجلس رژیم در گزارش خود که تضادی کامل با آمار نرخ تورم داده شده از طرف بانک مرکزی دارد، نرخ تورم در سال ۱۳۸۶ را ۲۳ درصد پیش بینی کرده بود.

محمد جهرمی وزیر کار رژیم، اعلام کرد که بر اساس بازبیدیایی که از تعدادی کارخانه و واحدهای تولیدی شده است «۲۱/۵ درصد کارگران در بنگاهها و کارخانه ها بر اساس حداقل مزد، حقوق دریافت می کنند.» این حرف با توجه به اخباری که از اعتراضهای کارگری پخش می شود نشان می دهد که ۸۰ درصد کارگران و مزدبگیران حتا مورد لطف قانون کار هم قرار نمی گیرند و کارفرمایان هر گونه بخواهند به آنها مزد می دهد.

جهرمی برای این حرفی که زده است توجیهی می تراشد و طوری حرف می زند که گویا بقیه بالای نرخ تعیین شده حقوق می گیرند که این حرفی پوچ است.

اما ببینیم این حداقل دستمزد در چه شرایطی تعیین می شود و کنشهای کارگری برای بهبود وضعیت زندگی و معیشت خود چرا ادامه خواهد یافت؟

اگر به اخبار اعتراضهای کارگری که برخی از آنها از جمله تحسن و اعتصاب در برابر مجلس ارتجاع و فرمانداریها و بستن جاده ها نوعی رویارویی علنی با نظام است توجه کنیم، می بینیم که این جدال در همین ابعاد هم نتوانسته است صاحبان سرمایه را مهار کند.

سیاستهای رژیم که بیش از هر زمان در جهت نئولیبرالیسم و جهانی سازی سرمایه قدم بر می دارد، و از طرف دیگر خصلت انگل صفتی سرمایه داری در ایران که نه در بازتولید صنعت بلکه در واردات کالاهای بنجل و ته انبارهای کشورهای دیگر و در نهایت جابه جایی سرمایه به محل امن، باعث شده که تولیدات داخلی از بین رفته و در عدم توانایی رقابت با کالاهای وارداتی، بحران دامنگیر این واحدها، وضعیت معاشی کارگران و مزدبگیران را وخیم تر سازد.

رژیم با همین قد و قواره آخوندی اش خدمت بزرگی به جهانی سازی سرمایه کرده و راه را برای آن باز کرده است. نمونه آن واردات شکر توسط مافیای وابسته به حکومت که فاجعه بزرگی برای تولید شکر در ایران به وجود آورد. در شماره های قبل نبرد خلق به این موضوع پرداخته شده است.

جهرمی می گوید از ۱۵ میلیون کارگر حمل و نقل و کشاورزی که پایه حقوقشان همین مزد تعیین شده توسط شورای

عالی کار است، فقط ۸ میلیون شامل بیمه سازمان تامین اجتماعی هستند. همین آمار نشان دهنده وضعیت فاجعه بار کارگران در برابر همین قانونی است که دست پخت نظام است.

این سیاستها کارگران را در موقعیتی قرار می دهد که خواسته هایشان را در حد حفظ موقعیت موجود و چیزهایی که از دست داده اند نگاه دارند و برای بهبود وضعیت و بردن سهم بیشتر از ثروتی که خود تولید می کنند و ثروتهای طبیعی کشور که به جیب حاکمان وارد می شود تلاش نکنند.

شمار اعتراضهای کارگری در ماه پایانی سال قابل توجه است. اما این اعتراضها به طور عمده بر سر دریافت حقوق است. این یکی از شگردهای کثیف سرمایه داری است که می خواهد مبارزه کارگران را به خواستهای عقب تر محدود کند و مانع سیاسی شدن خواستهای کارگری و ارتقا آن شود. کارگری که به مدت یک سال حقوق دریافت نکرده است مجبور می شود که برای دریافت آن مبارزه کند و نانی برای سیر کردن موقتی شکم فرزندانش تهیه کند. در روز ۲ بهمن سال پیش شاهد مجروح شدن کارگران کارخانه درخشان یزد توسط نیروی انتظامی بودیم. کارگران مجروح شده از ترس آینده خود حاضر به رفتن به پزشک قانونی نشدند.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، طی بیانیه ای خطاب به شورای عالی کار و کمیته دستمزدها به مزد تعیین شده اعتراض کرد. جعفر عظیم زاده سخنگوی این اتحادیه اعلام کرد: «تا کنون ۲ هزار کارگر از واحدهای تولیدی مختلف از این طومار حمایت کرده و آن را امضا کردند.»

خامنه ای و احمدی نژاد در پیامهای نوروزی خود، از «عدالت» و «پیشرفت» سخن پراکنی کردند. حتا نامگذاری سال جدید از طرف ولی فقیه نشان دهنده وضعیت نابسامان اقتصادی که زیانها و آسیبهای آن به طور مستقیم بر دوش کارگران و مزدبگیران است، حکایت دارد. ولی فقیه سال ۱۳۸۷ را سال «نوآوری و شکوفایی» نامید. تاکنون مردم به بهانه برقراری «عدالت اسلامی» سرکوب می شدند و در سالی که آغاز شده به بهانه «پیشرفت» ارتجاع سرکوب خواهند شد. پاسدار احمدی نژاد سال ۸۶ را «سالی همراه با پیشرفتهای خیره کننده» برای ایران اعلام کرد.

دیکتاتوری مذهبی حاکم مانع هر گونه توسعه دموکراتیک و پایدار است. توسعه ای دموکراتیک و پایدار بدون عدالت، دموکراسی و آزادی تحقق نخواهد یافت. بر این نهاد سال ۱۳۸۷، گسترده شدن اعتراضها و پویتهای اجتماعی را نوید می دهد.

زینت میرهاشمی

Zinat_mirhashemi@yahoo.fr

۲۴-۰۳-۲۰۰۸